

زنی سیاستمدار، کنشگری مذهبی

«اعتماد» به مناسبت دومین سالگرد درگذشت اعظم طالقانی از تاثیر او بر آینده سیاست و جامعه ایرانی گزارش می‌دهد

علی شاملو؛ روزنامه‌نگار

دو سال از درگذشت اعظم طالقانی گذشت، در این دو سال بسیاری درباره او و صفات و سجایای اخلاقی‌اش گفتند و نوشتند، اما اعظم طالقانی که بود و چه کرد و آیا به قول مرحوم زنده‌یاد دکتر علی شریعتی، حقیقت را فدای مصلحت کرد!

اعظم طالقانی با زندگی‌اش نشان داد که مصداق تلاقی همزیستی نواندیشی دینی و تجددگرایی و مدرنیسم در دوران معاصر است. همچنین نشان داد که کنش زنانه در مسیر کنش ملی صورت گرفته و نیابتی میان آنها وجود ندارد. اعظم طالقانی در سراسر عمرش علاوه بر اینکه يك سیاستمدار ملی بود، يك فعال حقوق زنان نیز بود. او سیاستمداری جامعه‌محور بود. فعالیت سیاسی و مدنی توأمان و درهم‌تنیده، هم حزب داشت و هم کارآفرین اقتصادی بود و فعالیت اقتصادی زنان را در موسسه با وسواس و دقت پیگیری می‌کرد. او زن سیاستمدار در بطن صحنه سیاسی بود و اجازه نمی‌داد کسی او را به حاشیه سیاست براند.

اعظم طالقانی مدافع حقوق زنان -هم در مرزهای ملی و هم فراملی- بود. او هیچ‌گاه نقش پیوستگی و همبستگی خواهی جهانی را نپذیرفته و از همان ابتدای انقلاب در محافل بین‌المللی مربوط به زنان حضور می‌یافت تا ضمن اطلاع از آخرین مسائل مربوط به حوزه زنان، مسائل زنان ایران را نیز از زاویه دید خود، به آنان منتقل کند. به گفته یکی از فعالان حقوق زنان، اعظم طالقانی در اجلاس گوناگون بین‌المللی مربوط به حقوق زنان به صورت مستقل و با هزینه شخصی شرکت می‌کرد. آزادی‌خواهی اعظم طالقانی از بطن اندیشه مذهبی‌اش سرچشمه می‌گرفت و با ملیت، میهن‌پرستی و استقلال‌پسندی اساسی یافته بود.

اعظم طالقانی نه به حرف و سخن مثل بسیاری از سیاسیون، بلکه در عمل يك چهره ملی و مذهبی واقعی بود که هم عاشق مذهب بود و هم

عاشق ایران، او نقطه اتصال جریان‌ات سیاسی کشور اعم از دولتی و غیردولتی بود. اعظم طالقانی زمان را در مسائل سیاسی تشخیص می‌داد و به جای پرحرفی و سخن بی‌جا عمل می‌کرد.

اعظم طالقانی به علت تجربه‌های متعدّدش از مسوولیت‌پذیری افراد، سخت به افراد اعتماد می‌کرد و در نتیجه بسیاری از کارها قائم به شخص خودش بود و سررشته کارها در نهایت به خود ایشان منجر و این مساله مانع از تعمیم کارها و مسوولیت‌ها می‌شد و بعد از درگذشت ایشان به خاطر چهره کاریزماتیکش تمامی امور حزب جامعه زنان انقلاب اسلامی و تعاونی و نشریه و مجتمع نجم یا بسیار به کندي پیش می‌رود یا متوقف شده و جانشینان ایشان نتوانستند امور و مسائل این ارکان و دیگر کارها را پیش ببرند.

به تازگی بنا به کاری با معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد، آنجا حضور داشتم. یکی از مدیران وزارت ارشاد از پشتکار و پیگیری مشکلات مردم توسط ایشان می‌گفت و اینکه چقدر ایشان دلش برای کشور و نظام می‌سوخت و عقیده داشت فقدان ایشان را هیچ‌کس نمی‌تواند پر کند؛ حتی اگر از خانواده خود آن زنده‌یاد باشد! زیرا بعد از ایشان در بین فرزندان آیت‌الله طالقانی چهره کاریزماتیک نداریم.

اعظم طالقانی از استقلال رای عجیبی برخوردار بود و با هیچ‌کس و هیچ جریان‌ی بر سر اصول و مواضعش شوخی نداشت و در پایان اعظم طالقانی انسانی متفاوت بود؛ روانش شاد و یادش گرامی!

چهره‌ای کم‌نظیر در جامعه ایرانی

محمد تقی فاضل میبدی

اعظم طالقانی چهره‌ای اسلامی، ملی و انسانی از خود ارایه می‌کرد که در جامعه ما کم‌نظیر بود. او افکار آزاد و مستقل داشت، زنی شجاع، بی‌باک و دلسوز مردم بود و انگیزه اسلامی و انسانی بالایی داشت. چارچوبش را حفظ می‌کرد و همه این موارد به دلیل تربیت مرحوم آیت‌الله طالقانی بود. او روحیه والا و انگیزه قوی داشت و با سن بالا و وضعیت جسمانی که داشت از پا نمی‌نشست. فردی را نمی‌شناسم که مانند او جرات و جسارت در کار داشته باشد. مطمئناً اگر او در جامعه کنونی بود، وضعیت فعلی را قبول نداشت و همه را مورد انتقاد قرار می‌داد. اداره کشور از جنبه‌های مختلف مطمئناً مطلوب او نبود. مسیر او راه مرحوم آیت‌الله طالقانی بود و آرمانی را که پدر بزرگوارش در پیش داشت، ادامه می‌داد و پا پس نمی‌کشید. او به دنبال

حقوق برابري زنان و مردان بود و قانون منع حضور زنان در كانديداي رياست‌جمهوري را مورد انتقاد قرار مي‌داد و درصدد لغو اين قانون بود. ثابت كرد در اين حق، از منظر شرعي و اسلام منعي براي زنان وجود ندارد و در اين مورد بسيار تلاش كرد. به ديدار آيت‌الله منتظري مي‌رفت تا اين منع را برطرف كند. مجله «هاجر» بسيار تاثيرگذار بود. از نظر مطبوعاتي و سياسي چهره‌اي شناخته‌شده بود و با وجود مشكلات مالي كه وجود داشت، مجله «پيام ابراهيم» را به نحو احسن منتشر مي‌كرد. آثار مرحوم آيت‌الله طالقاني را به خوبي دنبال كرد و كتاب‌هاي بسيار مفيدي نوشت اما از او قدرداني كافي نمي‌شد و مورد حمايت قرار نمي‌گرفت. اعظم طالقاني به خاطر افكار مستقل و آرماني كه داشت، موفق بود اما در جامعه امروز با مشكلاتي كه براي زنان وجود دارد، موفقيت و پيشروي به سختي صورت مي‌گيرد. در مسائل سياسي معتقد به آزادي بود. مهم‌ترين مساله او مليت و اسلاميت بود كه به ايران خدشهاي وارد نشود؛ بزرگ‌ترين دغدغه او استقلال كشور عزيزمان بود.

مقامي اعظم در تاريخ

اصولان شاملو

پيش از آنكه سخني پيرامون شخصيت و ديدگاه‌هاي اعظم طالقاني بيان كنم، شرح كوتاهي از وضعيت زنان در سال‌هاي ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۵ بيان مي‌كنم؛ مرحوم پدرم كارمند دادگستري در شهرستان ملير و مورد اعتماد مردم بود و اهالي ملير و روستاهاي دور و نزديك آن، براي حل مشكل خود نزد پدرم مي‌آمدند. در آن ميان زناني كه مورد ستم همسرانشان واقع ميشدند نيز حضور داشتند كه تعدادي از آن ستم‌هاي روا شده به آنها را عنوان مي‌كنم؛ خانمي كه دسته‌اي از گيسوانش را كه توسط همسرش كنده شده بود، در دست داشت، زني با بدني كبود از كتك‌هاي همسرش و زني ديگر كه همسرش بدون هيچ اختلافي او را طلاق داده بود! بايد اضافه كنم روحانيون آن زمان چندان از حقوق زنان دفاع نمي‌كردند. عده‌اي خاص همانند مرحوم آيت‌الله طالقاني كه حين تفسير قرآن به حقوق زنان اشاره مي‌كرد و مرحوم علامه يحيي نوري كه آن زمان كتاب «حقوق و حدود زن در اسلام» را تاليف كرد. استاد شهيد مطهري نيز مقالاتي در مجله «زن روز» نوشت و بعدها كتاب حقوق زن در اسلام را نيز منتشر كرد. اعظم طالقاني نيز شخصيتي مبارز و آزادي‌خواه داشت و پيرو حقوق زنان و روشنفكر مذهبي بود. او پيش از

انقلاب، زندانی شده بود. بعد از انقلاب به دلیل ظلم به زنان، مدبرانه به میدان آمد. هفته‌نامه «پیام هاجر» را منتشر کرد و از نویسندگان متبحر مقاله دریافت می‌کرد. کانونی به نام جامعه زنان تاسیس کرد که مامن زنان محروم بود و به زنان جامعه آموزش خیاطی داده می‌شد و قسمت‌های مختلفی داشت. در دادرها از حقوق زنانی که مورد ظلم قرار گرفته بودند، دفاع می‌کرد. نظرات، تفکرات و اثرات خانم طالقانی به خصوص در مصاحبه‌ها و مقالات باعث شد زنان با حقوقشان آشنا شوند و برای تکامل و استقلال و خودسازی خویش به پا خیزند. خانم طالقانی برای استقلال حقوق زنان ایستاد و پایداری بسیار انجام داد. خانم طالقانی برای خانم‌ها و آقایان تفسیر قرآن می‌گفت و اجازه نمی‌داد کسی به اسلام و مسائل اسلامی با دید تحقیر و تمسخر نگاه کند. او با فعالیت‌های خود جلسات تفسیر و انتشار هفته‌نامه «پیام هاجر» که بعدها به مجله «پیام ابراهیم» تبدیل شد، نقش خود را به عنوان زنی متعهد نشان داد که جایگاه مهمی در تاریخ معاصر ما داشت. همچنین یکی از کارهای مهم او گفت‌وگو با بعضی علما و متخصصان اسلامی در راستای کاندیداتوری زنان در انتخابات ریاست‌جمهوری بود. او اعلام کرد که کلمه «رجل» در قانون به معنی «مرد» نیست و زنان نیز می‌توانند رییس‌جمهوری شوند و برای آن زحمت کشید.

احمد زیدآبادی در گفت‌وگو با «اعتماد» از اعظم طالقانی می‌گوید

زنی روشنفکر در سایه مذهب

اعظم طالقانی خواهان برابری حقوق زن و مرد بود با خاستگاهی مذهبی، ممتازترین زنی است که دهه اول انقلاب در جامعه اجتماعی-سیاسی ظهور کرد

نیره خادمی

آن روزهای دهه 60 وقتی احمد زیدآبادی، برای تحصیل از کرمان به تهران آمد، نشریاتی را برای کار و نوشتن نشان کرده بود. «پیام

هاجر» یکی از همین نشریات بود که پس از انقلاب زیر نظر اعظم طالقانی منتشر می‌شد و زیدآبادی که آن زمان دانشجوی علوم سیاسی بود و پس از جست‌وجو، سرانجام رشته ارتباط را پیدا کرده بود، با اعظم طالقانی آشنا شد و گاهی هم مطالب طنزی به اسم «مهرآوه» و «ترشاله» برای نشریه‌اش می‌نوشت. «اعظم‌خانم» دختر بزرگ آیت‌الله طالقانی است که سابقه مبارزاتی و فعالیتش در حوزه سیاسی، زنان و تاسیس مدرسه به پیش از انقلاب برمی‌گردد. بعدها موسسه خیریه دایر و تشکلهایی را ایجاد کرد؛ بارها تا ساختمان وزارت کشور رفت و در انتخابات نام‌نویسی کرد تا تابوها را بشکند و تکلیف عنوان «رجل سیاسی» در قانون مشخص شود ولی هر بار صلاحیتش رد شد! احمد زیدآبادی حالا 2 سال پس از درگذشت اعظم طالقانی درباره‌اش می‌گوید: «با خاستگاهی مذهبی، ممتازترین زنی است که دهه اول انقلاب در جامعه اجتماعی- سیاسی ظهور کرد.» این روزنامه‌نگار برجسته معتقد است که اگر برخی مشکلات نبود، می‌توانست به عنوان چهره‌ای بین‌المللی در جهان اسلام تاثیر زیادی داشته باشد؛ «خواهان برابری حقوق زن و مرد بود که حرف بزرگی در بین معتقدان به باورهای سنتی اسلامی بود و حتی گاهی نزدیک به ارتداد تلقی می‌شد.»

تلقی شما به عنوان روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی از جایگاه اعظم طالقانی در تاریخ معاصر ایران چیست؟

پس از انقلاب برخلاف دوران شاه که زنان مذهبی از فعالیت اجتماعی دور بودند یا دوری می‌گزیدند، فعالیت برای آنان مساعد شد و زنان مدرن‌تر سازگار با مظاهر تمدن، محدودیت‌هایی پیدا کردند ولی او با خاستگاهی مذهبی، ممتازترین زنی است که دهه اول انقلاب در جامعه اجتماعی- سیاسی ظهور کرد. رویکرد او برخلاف زنان همکار در مجلس که گرایش مذهبی متعصب داشتند، فعالیت و تشویق همه زنان به فعالیت اجتماعی بود و از محدودیت علیه سایر گرایش‌های فکری و سلیقه‌ای بین زنان دلخور بود. خلاف زنانی بود که معمولاً خواهان محدودیت زنان بودند. او نام خود را به عنوان زنی با اعتقادات راسخ دینی که با انحصارطلبی برخی زنان متعصب همراه نشد و سعی کرد مجموعه زنان جامعه را نمایندگی کند و به صحنه بیاورد، ثبت کرد.

همیشه از تاثیر آیت‌الله طالقانی بر اعظم طالقانی گفته میشود؛ ولی فارغ از زیست و حضور کنار شخصیتی چون آیت‌الله طالقانی، اعظم طالقانی این جایگاه خود را مدیون چیست؟

بسیاری از علما دختر داشتند ولی اسم یا فعالیت از آنها دیده نمیشود. منتسب کردن تمام فعالیت‌های فرزند به پدر درست نیست. اگر آن فرد استعداد و پشتکار لازم را نداشته باشد، به صرف مشهور یا موثر بودن پدر، نمیتواند موقعیت اجتماعی و فکری لازم را کسب کند. اعظم خانم دنبال تحقیق، مطالعه و در تمام زمینه‌ها فعال و خستگی‌ناپذیر بود. از نظر جسمی محدودیت‌هایی داشت ولی میزان فعالیتش به قدری بود که ما جوان‌ها هم نمیتوانستیم هم پای او حرکت کنیم.

می‌توانیم او را لیدر جریان خاصی بدانیم؟

لیدر يك جریان خاص اجتماعی یا سیاسی، خیر ولی بدون شك در شمار یکی از لیدرهای جریان ملی-مذهبی هست. او تنها زنی بود که در مجلس اول هم پای چهره‌های ملی-مذهبی، روشنگری و سخنرانی کرد. مجله داشت و به دنبال ایجاد نهادی مدنی بود. فعالیت چندجانبه را برای خود تعریف کرده و به‌طور نسبی موفق بود. از این جهت به عنوان یکی از چهره‌های شاخص این جریان مطرح شد و بسیاری زنان اصلاح‌طلب متأثر از او بودند و کسانی که بعدها به عنوان اصلاح‌طلب مطرح شدند، با او ارتباط خوبی برقرار کردند.

فعالیت مطبوعاتی اعظم طالقانی چه تاثیری بر جریان رسانه‌ای کشور داشت؟

«پیام هاجر» در فضای بسیار محدود مطبوعاتی که بیشتر مطبوعات دولتی فعال بودند، منتشر میشد و سخنگوی کسانی بود که متفاوت از جریان حاکم صحبت می‌کردند. کسانی مثل دکتر جعفری، اشکوری و مهندس سبحانی در آن مطلب می‌نوشتند و از اندیشه‌های شریعتی، طالقانی، مصدق یا بازرگان دفاع می‌کردند. نشریه در آن دوره منحصر به فرد بود ولی به دلیل محدودیت شرایط امکان توزیع گسترده نداشت ولی کسانی که خواهان خواندن مطالبی خارج از چارچوب رسمی بودند، این نشریه را

که تنها نشریه موثر در خارج از فضای حکومتی بود، پیدا می‌کردند. «پیام هاجر» در حوزه نقد نقطه قوت بیشتری نسبت به بحث‌های افشاگری داشت.

خاطره‌ای هم از آن زمان یادتان است؟

گاهی برای این نشریه مطلب طنز می‌نوشتیم. آن زمان برخوردهای بسیار بدی درباره حجاب زنان صورت می‌گرفت؛ بنابراین مطلب تندي با امضای «ترشاله» در این باره نوشتم. گویا نیروی انتظامی به دنبال نویسنده مطلب بود و خانم طالقانی را برای معرفی «ترشاله» تحت فشار گذاشته بودند. سوار ماشین او که می‌شدم؛ پشت پیکانش - به واسطه امور خیری که انجام می‌داد - همیشه پر از مانتو یا دبه‌های ترشی بود، من هم او را به شوخی اذیت می‌کردم. در پاسخ شوخی می‌گفت: «بذار به نیروی انتظامی بگم که «ترشاله» کیه؟! بیان تو رو بگیرن از دستت راحت بشیم!» آن زمان درکی از اینکه اگر من را معرفی کند، چه می‌شود، نداشتم. بعدها که زندان رفتم، فهمیدم اگر دهه 60 به زندان می‌افتادم، چقدر می‌توانست رنج‌آور باشد.

خانم طالقانی با گفتار و رفتار خود چهره‌ای خاص از زن ایرانی و معتقد را ترسیم کرد؛ این تعریف تا چه میزان مطابق با نیازهای امروز ایران است؟

او از خاستگاه مذهبی با نگاهی روشنگرانه به متون دینی رجوع می‌کرد. خواهان برابری حقوق زن و مرد بود که حرف بزرگی در بین معتقدان به باورهای سنتی اسلامی بود و حتی گاهی نزدیک به ارتداد تلقی می‌شد. او در شکستن این نوع موانع برای ظهور و بروز زن مسلمان در جامعه ایرانی نقش پیشتازی داشت؛ چون به دلیل آقازدگی حاشیه کوچک امنیتی را هم درباره‌اش رعایت می‌شد. صراحت نقد برخی برداشتها از آیات قرآن درباره حقوق زن و مرد را داشت و پروایی هم نداشت ولی الان فضای ایران نامتوازن شده و جامعه به دلیل سوءاستفاده قدرت سیاسی از میراث تاریخی، هویت ایرانی، متون مذهبی و قرائت‌های دینی نسبت به هر چیزی که بویی از چنین تفکرآتی بدهد، واکنش پیدا کرده است اما معتقدم بعد از سلسه تحولات سیاسی و با گذشت زمان اوضاع به سمت طبیعی‌تر پیش می‌رود و زنانی چون او ظهور دوباره‌ای پیدا خواهند کرد.

اعظم طالقاني همتراز کدام يك از زنان مطرح جهان است؟

كساني مانند بوتو، گاندي يا سوچي در جهان شهرت بينالمللي پيدا کرده‌اند ولي شهرت خانم طالقاني از مرزها بيرون نرفت و نمي‌توان آنها را مقايسه كرد.

اين زنان موثر در جامعه خود، بعد از مدتي در جهان شناخته شدند ولي چرا زني جسور كه به قول شما بحثهايي را طرح کرده كه از نظر برخي حكم ارتداد داشته، نمي‌تواند آنقدري كه بايد، از مرزها عبور كند و جهاني شود؟

او البته با مراكز بينالمللي ارتباط و همكاري داشت ولي برخي محدوديتها مانع قرار گرفتنش در آن سطح شد. زنان ديگر معمولاً در کشور خود مقام رسمي بودند يا به عنوان حزب آزاد با حاكميت خود درگير بودند، زندان رفته و شهرت جهاني يافته بودند ولي تعامل طالقاني با حكومت، نه در حدي بود كه بخشي از آن باشد و نه در حدي از خصومت پيش ميرفت كه به زندان منجر شود. قبل از انقلاب هم به زندان رفت؛ زماني كه بسياري از زنان گروه‌هاي مختلف به زندان ميرفتند و انگيزه‌ها هم مخالفت با رژيم شاه بود ولي زندان رفتن بعد از انقلاب به دليل اعتقادات برابريخواهانه حقوق زن و مرد مي‌توانست باعث شهرت جهاني شود. نوع پوشش انتخابي هم براي نادیده گرفتن شدن بياثر نبود؛ بسياري حجاب را تحميلي ميدانستند ولي خانم طالقاني آن را اختياري ميدانست، خود آن را انتخاب کرده بود. اگرچه علاقه‌مند به تحمیل به کسی نبود ولي ديگران صرف اينکه حجاب داشت آن را سمبل يك نوع تحمیل ميدانستند. اواخر هم كه فضا براي فعاليت او بازتر شده بود، ويلچرنشيني امكان تحرك را كم مي‌کرد. اگر اين مشكلات نبود، به عنوان چهره‌اي بينالمللي در جهان اسلام تاثير زيادي داشت. زنان سكوлари كه از حق تساوي زن و مرد دفاع مي‌كنند، بسيارند؛ به همين دليل از طرف نيروهاي بسته مذهبي جدي گرفته نميشوند، حتي شايد حرفهاي‌شان تكراري باشد ولي يك فرد برآمده از متن سنت كه مخاطبش، زنان مسلماني هستند كه بسياري از آنها به محدوديت فهم‌هاي سنتي تن داده‌اند و حتي برخي حقوق خود را به اختيار خود واگذار كردند، مي‌توانست طنين بسياري ايجاد كند و

جریان‌ها از میانه‌روی فکر دینی را در گستره‌ای از جهان اسلام بارور
کند.

□□□□□□ 1400 □□□□ 8 □□□□□□ □□□□□□:□□□□